روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ ■ ۱۸ رجب ۱۴۳۵ ■ ۱۸ مه ۲۰۱۴ ■ سال ششم ■ شماره ۱۳۱۹ ■ ۱۲ صفحه ■ ۵۰۰ تومان

■ اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.6 ■ No.1319 ■ Sun. May.18, 2014 ■ ISSN:2008-2886

دیدار اعضای هیأت مدیره جامعه خیرین مدرسه‌ساز ایران با رهبر انقلاب

تأکید بر حسنه مدرسه‌سازی

صفحه ۲

ابقای احمدی‌مقدم در فرماندهی ناجا

۲

افشارزاده: به قلعه‌نویی اعتقاد دارم

۱۰

کمیته مخفی علیه رئیس دانشگاه شریف

وزارت علوم را چه کسی اداره می‌کند؟

صفحه ۲

چرا مذاکرات وین به نتیجه نرسید؟

مکافات توافق ژنو

■ کاخ سفید: موشک‌های بالستیک ایران باید بخشی از توافق جامع باشد

صفحه ۲

عکس: ایرنا

تیترهای روز

متقاضیان یارانه نقدی از چهارشنبه اقدام کنند

ثبت تغییرات در پلیس+۱۰

■ اصلاح شیوه پرداخت یارانه نقدی تیرماه امسال آغاز خواهد شد

صفحه ۳

تعرفه‌های درمانی سال ۹۳ اعلام شد

افزایش ۴۴ درصدی

افزایش تعرفه‌های درمانی دولتی ۴۴ درصد و خصوصی ۲۵ تا ۳۲ درصد برای سال ۹۳ درنظر گرفته شد. به گزارش «وطن‌امروز» رضا حسین‌پور، مدیرکل دفتر بیمه‌های سلامت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره تعرفه‌های درمانی سال ۹۳ خاطرنشان کرد: در اسفند ماه ۹۲ و براساس تصمیمات پنجاه و سومین جلسه شورایعالی بیمه که با همکاری...

صفحه ۴

■ اعلام آخرین مهلت انتخاب رشته ارشد/۴
■ بررسی لیست ۳۰ نفره تیم ملی فوتبال/۱۰
■ دادستان خرمشهر ترور شد/۲
■ بازخوانی حواشی «من روحانی هستم»/۹
■ بحران سینما، برگزاری جشن و دیگر هیچ!/۹

یادداشت روز

دیپلماسی بی‌سوادی!

■ دکتر مجتبی اصغری ■

یکی از موضوعات عجیبی که اخیرا توسط رئیس‌جمهور روحانی در جلسه با اساتید دانشگاه از آن انتقاد شد محدودیت بر سر راه دانشگاهیان در ارتباط‌گیری با غرب است. اکنون این سؤال پیش می‌آید که جناب روحانی از کدام محدودیت سخن می‌گوید در حالی که مراودات علمی بی‌هیچ مشکلی در سالیان گذشته همواره در جریان بوده است؟ آیا رئیس‌جمهور حقوقدان کشورمان با جمله «باید اعتماد کنیم» به استقبال اجرای داوطلبانه طرح ۶۰ ساله دیپلماسی عمومی وزارت خارجه آمریکا می‌شتابد؟! روحانی در حالی به این موضوع حساس بی‌محابا ورود کرد که اکنون مجموعه‌ای از افراد که از محققان همکار با مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به شمار می‌رفتند به واسطه بی‌دقتی اولیه در ارتباط گیری با مراکز رسمی دانشگاهی آمریکایی- انگلیسی در دام امنیتی غربی‌ها افتاده‌اند. اکنون آنها هنوز در بند ۳۵۰ اوین به جرم جاسوسی برای آمریکا و حتی اسرائیل دوران محکومیت خود را سپری می‌کنند. از شاهین دادخواه گرفته تا رحمان قهرمانپور و دیگرانی که هنوز هم با اتهام جاسوسی متواری هستند! این افراد اساتید دانشگاه‌های کشور ما بودند که به قول رئیس‌جمهور به سیستم آموزشی «غیردولتی» غرب اطمینان کردند. حتی بخشی از این افراد با سناریوهای هولناک ارتباط‌گیری علمی کرده و مجبور به فروش اطلاعات ذی‌قیمت مراکز هسته‌ای و نظامی کشور به غرب شدند.

حال سؤال این است که چطور شخصی که سال‌ها دبیری شورای امنیت ملی کشور را برعهده داشته به مصوبات این شورا و علم خود در زمینه روابط بین‌الملل بی‌توجهی می‌کند؟!

ما فرض را بر این می‌گذاریم که رئیس‌جمهور حقوقدان کشورمان درس‌های قدیمی در این حوزه را فراموش کرده‌اند. پس مشفقانه به رسم یادآوری، برخی طرح‌های مهم در این زمینه را یادآوری می‌کنیم:

دیپلماسی TRCK II: ارتباط‌گیری اعضای کانون‌های مختلف با وابستگی غیررسمی (بخوانید محرمانه) به دولت با شهروندان جامعه حریف از طریق کانال‌های معمول است. این نوع از دیپلماسی از ابداعات آمریکا در دوره جنگ سرد است.

اولین موسسه فعال در این حوزه «پاگواش» نام داشت که به واسطه تلاش‌های مجدانه اساتید دانشگاهی عضو این سازمان، موفق به کسب جایزه نوبل شد! هم اکنون در سایت پاگواش با افتخار طرح ارتباط‌گیری با اساتید دانشگاهی ایران با ذکر عبارت «بهره‌گیری از تجربه موفق درباره شوروی سابق» از مسیر ترک۲ آشکارا بیان شده است. مجموعه بزرگی از اساتید و دیپلمات‌های شهیر ایرانی در جلسات پاگواش امکان همکلامی با دیپلمات‌ها و مقامات آمریکایی و اسرائیلی را بدون دامن زدن به حساسیت‌های معمول حول دیدارهای افراد دولتی، یافته‌اند و این بی‌شک موفقیتی برای وزارت خارجه آمریکا محسوب می‌شود.

دیپلماسی شهروندی: عبارتی که بسیاری از مردم به عوض دیپلماسی شهروندی به کار می‌برند «فشردن دست یک غریبه» است. در این شاخه از دیپلماسی عمومی بر حضور تیم‌های غیردولتی برای ارتباط‌گیری مستمر با انواع و اقشار جامعه تاکید می‌شود؛ از خبرنگار و فعال محیط‌زیست گرفته تا دانشجو و دانشگاهی! جودیت مک‌هیل، معاون وزیر خارجه آمریکا در مرکز دیپلماسی آمریکا در واشنگتن هدف از این نشست‌ها را دوبرابر کردن شمار داوطلبان آمریکایی در همه رده‌های سنی برای ورود به فعالیت‌های بین‌المللی در داخل و خارج از کشور و رساندن این تعداد از ۶۰ میلیون نفر کنونی به ۱۲۰ میلیون نفر تا سال ۲۰۲۰ اعلام کرد. اخیرا کریستین ساینس مانیتور نوشته بود: ویلیام میلر و حسین موسویان مذاکره‌کننده پیشین در مقاله جدید خود با موضوع برنامه هسته‌ای ایران اذعان داشته‌اند« دیپلماسی شهروندی اعتمادساز خواهد بود»(!) ویلیام میلر، عضو سازمان صهیونیستی جست‌وجوی زمینه‌های مشترک است که چند سالی از بازنشستگی وی در آژانس امنیت ملی آمریکا می‌گذرد! همین فرد تاکنون چندین نوبت تحت عنوان استاد دانشگاه هاروارد به کشور ما سفر کرده و اتفاقا در دوره مدیریت یک‌ساله توفیقی بر وزارت علوم در دوره خاتمی، اولین طرح «تبادلات علمی» میان ایران و آمریکا بدون واسطه وزارت علوم را امضا کرده است. اینجاست که مشخص می‌شود نقش دولت در پرونده آن دانشجویان بی‌گناهی که به واسطه قانونگذاری بی‌فکر دولت و تشویق اعضای هیات علمی دانشگاه‌های داخلی در دام اساتید و مدیران حرفه‌ای آژانس امنیت ملی آمریکا، آژانس توسعه ملی آمریکا یا دپارتمان دیپلماسی عمومی وزارت خارجه کشورهای غربی به واسطه طرح‌هایی همچون...

ادامه در صفحه ۱۲

بازخوانی

باشگاه کارگزاران؛ حزب دولت‌ساخته

■ محمدمهدی تقوی ■

حزب (باشگاه) کارگزاران در آستانه انتخابات مجلس پنجم به کارگردانی آقای رفسنجانی تاسیس شد، یعنی زمانی که طیفی از نیروهای اصولگرای آن روز به دلیل انحراف‌هایی که در مشی دولت و مدیران آن در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی احساس کردند، همکاری با دولت را تحریم کردند.

این اختلاف‌ها موجب شد نیروهای ارزشی آن روز و در رأسشان «جامعه روحانیت مبارز تهران» حاضر نشوند مدیران رفسنجانی را در فهرست انتخاباتی خود قرار دهند. رفسنجانی که خطر جدایی گروه‌های ارزشی از خویش را حس کرده بود، در گرماگرم انتخابات مجلس پنجم ابتدا به جامعه روحانیت مبارز پیشنهاد کرد چند نفر از افراد نزدیک به وی را در فهرست انتخاباتی بگذارند. این افراد شامل محمود دعایی، عبدالله نوری، مجید انصاری، فائزه هاشمی و مصطفی معین بودند. این رویگردانی از مجلس چهارم شروع شد که اغلب چهره‌های شاخص آن، سیاست‌های دولت بویژه در دو حوزه «اقتصاد» و «فرهنگ» را با معیارهای ارزشی نظام، مغایر می‌دیدند.

از اواخر کار مجلس چهارم که رودررویی جبهه نیروهای ارزشی نظام با تئوری توسعه لیبرالی مدیران اجرایی آن روز شروع شد، رئیس‌جمهور وقت با نگرانی برای تغییر ترکیب مجلس پنجم خیز برداشت.

در آن مقطع برای دولت که برنامه سوم توسعه را در دستور کار داشت، مقاومت مجلس ارزشگرای چهارم، یک دغدغه جدی بود. البته حامیان هاشمی در مجلس سوم در ترکیب اکثریت حضور داشتند که از آن جمله می‌توان به اسحاق جهانگیری، مجید انصاری، عبدالله نوری و مرتضی الویری اشاره کرد که وظیفه دفع حملات نیروهای چپ آن روز نظیر محتشمی‌پور، اصغرزاده، مظفری نژاد و صالح‌آبادی را برعهده داشتند.

دولت وقت برای عبور از چالش مجلس چهارم، به یک تغییر تاکتیکی در مواضع سیاسی خویش نیز دست زد. این چرخش تاکتیکی در چینش ترکیب کابینه دوم رفسنجانی نمایان شد و در حالی که دولت نخست وی با اکثریت چپ تشکیل شد، در انتخاب اعضای دولت دوم سعی کرد از جایگاه متمایل به چپ خود، تا حدودی به سمت راست گرایش پیدا کند، از همین رو در دولت دوم خود، وی چپگرایانی مانند عبدالله نوری و مصطفی معین را در ترکیب کابینه نیاورد و علی‌محمد بشارتی و سیدمصطفی هاشمی‌گلپایگانی را به عنوان وزیران کشور و علوم معرفی کرد.

اما این تغییرات تاکتیکی نیز ثمری نداشت، به همین دلیل مجلس ارزشی آن روز در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی او به مرحوم نوربخش به عنوان وزیر امور اقتصادی و دارایی کابینه، رای نداد و سپس در اعتراض به روند ناصحیح فرهنگی حاکم، جریان تحقیق و تفحص از صداوسیما را دنبال کرد که به برکناری برادر وی محمد هاشمی از این سازمان منجر شد. پس از این کشاکش‌ها بود که جمعی از مدیران دولت رفسنجانی با این احساس که فضای جامعه و جریان ارزشی آن روز عزم رویارویی با الگوی توسعه لیبرالی تکنوکراتیک را دارد، به سمت ایجاد یک حزب جدید خیز برداشتند.

سنگ بنای حزب کارگزاران درست در مقطعی گذاشته شد که یک سال از عمر دولت دوم رفسنجانی باقی مانده بود و حلقه مدیران وی که بوی تغییر جدی در فضای سیاسی- اجتماعی کشور را حس کرده بودند، در واقع با ایجاد چنین تشکل سیاسی‌ای به سمت استمرار حضور و نفوذ خویش در عرصه قدرت گام برداشتند. به تعبیر کارشناسان، هدف طراحان کارگزاران، مدیریت پروسه انتقال قدرت از رفسنجانی به حلقه حامیان سیاسی وی بود.

موسسان حزب کارگزاران حتی در گام نخست برای بقای رفسنجانی در راس دولت و تمدید ریاست‌جمهوری وی تلاش کردند؛ به گونه‌ای که عطا مهاجرانی، معاون پارلمانی وی، در اقدامی بی‌سابقه «نظریه تغییر اصول قانون اساسی» و ماده مربوط به زمان قانونی ریاست‌جمهوری را مطرح کرد که با واکنش سخت آگاهان و دلسوزان انقلاب روبه‌رو شد.

گام دوم از سوی حلقه دیگر موسس کارگزاران در شهرداری تهران برداشته شد که آشکارا پروژه اسطوره‌سازی از رفسنجانی را با ساخت مجسمه و نماد «امیرکبیر» کلید زد و تبلیغات روزنامه همشهری را در این مسیر سازماندهی کرد.

کارگزاران در مسیر شکل‌گیری خود، مراحل شفاف یک حزب قانونمند را طی نکرد، این حزب درست همانند یک محفل سیاسی پا به عرصه کار حزبی گذاشت و هسته اصلی آن به صورت پنهان و در منزل برادر همسر رفسنجانی، سیدحسین مرعشی- که آن روز ریاست دفتر رئیس‌جمهور را برعهده داشت- پا گرفت. در روز تاسیس این محفل، مرعشی علاوه بر مدیران داخل دولت و اقوام نزدیک که از ابتدا رکن ثابت جلسات شبانه حزب بودند، از شماری از افراد چپ آن روز نظیر اسحاق جهانگیری، غلامرضا آقازاده، مهدی کروبی، سیدمحسن نوربخش، محمد خاتمی و چند تن دیگر نیز دعوت کرد اما از میان این جمع چهره‌های سرشناس چپ نظیر خاتمی و کروبی به دلیل فعال بودن در مجمع روحانیون در جلسات کارگزاران حاضر نشدند.

به این ترتیب حزب کارگزاران نخستین بار در سال ۱۳۷۵ و در گرماگرم انتخابات مجلس پنجم، با ارائه یک فهرست انتخاباتی و در قالب ۱۶ نفر از مدیران و بستگان اصلی خاندان هاشمی اعلام موجودیت کرد.

نکته قابل تامل این بود که کارگزاران ابتدا در بیانیه اعلام موجودیت، خود را «خدمتگزاران سازندگی ایران» نامید اما بعداً که مصادره مفهوم مقدس خدمتگزاری مورد انتقاد بسیار قرار گرفت، این حزب به عنوان «جمعی از کارگزاران سازندگی ایران» بسنده کرد. در بیانیه تاسیس حزب، به روشنی عقاید و منویات سیاسی موسسان حزب آشکار شد. آنها بر اهمیت مجلس در این بیانیه تاکید فراوان کرده و به این ترتیب، اولین مقصود خویش را فتح کرسی‌های مجلس شورای اسلامی قرار دادند و در بعد دیگر، روایت و تفسیر تازه‌ای از سیر تحولات نظام و انقلاب اسلامی ارائه کردند. در فصل دیگر بیانیه تاسیس، کارگزارانی‌ها همچنان بر پیگیری الگوی توسعه برگرفته از اندیشه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تاکید ورزیده و از گشودن باب دوستی با بازیگران غربی در قالب شعار «تنش‌زدایی» سخن به میان آوردند.

کارگزاران نخستین کلوب یا باشگاه سیاسی‌ای بود که در درون حکومت شکل می‌گرفت. البته از همان ابتدا، اینکه جمعی از مدیران کشور، با تکیه بر امکانات دولتی برای تاسیس حزب گام بردارند، با موج واکنش منفی جامعه بویژه در میان نخبگان مواجه شد. غیر از نیروهای ارزشی- که چنین سطحی از بهره‌برداری از منابع قدرت را یک انحراف خطرناک در درون نظام ارزیابی کردند- نخبگان و صاحبنظران سیاسی، این اتفاق را ضربه‌ای بزرگ بر «اندیشه تحزب‌گرایی» به حساب آوردند. اما این همه موج انتقاد، به اصلاح و بازنگری در این تشکل «دولت‌ساخته» منجر نشد و موسسان حزب فقط برای فروکاستن از بار فشارهای جامعه و شخصیت‌های برجسته نظام، «به ظاهر» ۱۰ نفر از مدیران (در سطح وزیر) را از لیست ۱۶ نفره خارج کردند.

پیامد مخرب دیگر ظهور کارگزاران، ایجاد شکاف و به هم زدن آرایش نیروهای سیاسی نظام بود. این جریان پس از تاسیس برای یارگیری سیاسی از مدیران و افراد صاحب منصب آن روز تلاش کرد. خطرناک‌ترین بخش این سیاست آن بود که سران این تشکل کوشیدند این جبهه گیری و صف بندی را به درون نیروهای ارزشی و نهادهای انقلابی بکشانند؛ چنانکه خود مرعشی به عنوان میزبان جلسات آن روزهای کارگزاران می‌گوید: «یک اتفاق دیگر هم این بود که سپاه وارد معادلات سیاسی شد و محسن رضایی در جلسه صبحگاه محمدرسول‌الله(ص) یک چرخش جدی نسبت به آقای رفسنجانی نشان داد».

■ محفلی در قامت یک حزب

در تحلیل ساختار احزاب فعلی ایران، کارگزاران بافت و ترکیبی کاملا منحصر به فرد دارد. این حزب بیش از هر چیز بر پیوندهای خویشاوندی و رفاقتی تکیه دارد تا اشتراکات فکری. جالب اینجاست که پس از گذشت ۱۸ سال از تاسیس حزب، هنوز هم معیارهای فامیلی و قومی در آن تغییر نکرده است.

ادامه در صفحه ۱۲

گزارش

نفر سوم از سمت چپ و راست!

■ مهدی جابری ■

موافقان و مخالفان «واردات بنزین» که در ماه‌های اخیر از تمام ظرفیت‌های رسانه‌های مکتوب و مجازی خود برای انعکاس نظرات‌شان استفاده کرده بودند روز جمعه در برنامه تلویزیونی مناظره نیز حضور یافتند تا استفاده از ظرفیت یک رسانه دیداری و شنیداری را نیز به گزارش عملکرد خود اضافه کنند.

به گزارش «وطن امروز» موید حسینی‌صدر سخنگوی فراکسیون محیط زیست مجلس، شاهرخ خسروانی معاون مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، یوسف رشیدی مدیرکل مرکز تحقیقات سازمان حفاظت محیط زیست، پویان رنجبر مدیر گروه نفت و انرژی کانون‌های تفکر ایران و جلیل سالاری قائم‌مقام سابق شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در این مناظره به ارائه و طرح دیدگاه‌های خود پرداختند.

هرچند نماینده یکی از نهادها در این مناظره ژست بی‌طرفی گرفت اما ترکیب واقعی موافقان و مخالفان واردات بنزین، «سه» در برابر «دو» بود و موافقان نه‌تنها یارگیری بیشتری داشتند بلکه بیشتر زمان برنامه را نیز در دست خود گرفتند.

این فرد در حالی ادعای بی‌طرفی درباره واردات بنزین کرد که مدیران ارشد این نهاد از اواخر تابستان تاکنون با طرح موضوعاتی که نه‌تنها هنوز صحت آنها تایید نشده بلکه به نوعی رد شده است، فضای جامعه را دگرگون کرده‌اند.

طنز تلخ حوزه نفت اکنون این است که عده‌ای ماه‌ها قبل آتش‌بیار معرکه نفت شدند و با طرح شایعات و ادعاهای واهی، پس از هموار کردن مسیر برای آنان که قصد و انگیزه واردات بنزین داشتند، حالا خود را کنار کشیده‌اند و می‌گویند برای ما فقط مهم این است که بنزین پاک و سالم باشد و تفاوتی ندارد از خارج بیاید یا در داخل تولید شود! بنابراین نفر سوم از سمت راست (که البته از سمت چپ نیز نفر سوم بود!) در ابتدای برنامه ادعای بی‌طرفی کرد.

موید حسینی‌صدر نیز بارها اظهار کرد «من نماینده مردم و طرف مردم هستم و نماینده دولت نیستم» اما اظهارات او به طور اتفاقی(!) دقیقا منطبق با خواست دولتمردان بود. وی در این برنامه گفت: هم‌اکنون شرایط مانند گذشته نیست و تحریم‌ها کاهش یافته و امکان واردات بنزین وجود دارد... در کنترل مصرف سوخت هیچ اقدامی نشده و به همین دلیل بنزینی که آلاینده نباشد باید وارد شود...».

ادامه در صفحه ۸

وبگاه

پس از اوکراین، صعود ناسیونالیسم افراطی در هند

جهان به کجا می‌رود؟

■ عبدالله شهبازی ■

نتایج انتخابات هند به سود حزب بهاراتیا جاناتا (بی‌جی‌پی) به رهبری نارندرا مودی، سخت نگران‌کننده است. صعود این جریان افراطی ناسیونالیست با پیشینه گرایش‌های فاشیستی در دوران جنگ دوم جهانی، با اقتدار نیروهای سیاسی مشابه در اوکراین و پیامدهای بشدت بحرانی آن، مقارن است و این امر نگرانی‌ها را تشدید می‌کند.

پانکاج میشرا در «گاردین» روز جمعه، صعود نارندرا مودی را «ورود هند به سخت‌ترین دوران پس از استقلال» خوانده و به پیشینه جریان سیاسی‌ای که مودی بدان تعلق دارد، «راستریا سوآیَم سِیواک سَنگ» (آراس‌اس) پرداخته است.

این سازمان شبه‌نظامی هندو که مودی عضو قدیمی آن است و در سال ۱۹۲۵ با الهام از جنبش‌های نژادپرستانه غربی ایجاد شد، در دوران جنگ دوم جهانی ستایشگر هیتلر و موسولینی بود و سپس ستایشگر صهیونیسم و دولت نوپدید اسرائیل. علت تعلق رهبران آراس‌اس به نازیسم و صهیونیسم شیفتگی ایشان به «نژاد ناب» بود که این دو جریان بارزترین تجلی آن بودند.

این همان سازمانی است که یکی از اعضای آن مهاتما گاندی را به دلیل سلوک دوستانه او با مسلمانان به قتل رساند (۳۰ ژانویه ۱۹۴۸) و در دوران پسین، آشوب‌های متعدد ضد مسلمانان مانند ماجرای مسجد بابری (۱۹۹۲) و کشتار فجیع بیش از هزار مسلمان در ایالت گجرات (۲۰۰۲)را پدید آورد. در زمان کشتار گجرات، نارندرا مودی «سَروزیر» این ایالت و حامی عاملان این فاجعه بود. برخی تحلیلگران مدعی‌اند آراس‌اس حدود یک میلیون جوان شبه‌نظامی تحت پوشش دارد که به سبک سازمان جوانان هیتلری در واحدهایی به‌نام «شاخه» سازمان‌دهی شده‌اند.

نقش زرسالاران بزرگ هند، بویژه خاندان تاتا در برکشیدن مودی پنهان نیست و در واقع حمایت راتان تاتا ارتقای مودی را به رهبری حزب بهاراتیا جاناتا سبب شد. در ماه‌های اخیر، خانم سوزانا اروندانی روی، نویسنده و فعال سیاسی سرشناس هند، افشاگری‌های متعددی درباره پیوند مودی با مجتمع‌های بزرگ مالی- اقتصادی هند انجام داده و او را نماینده سیاسی این کرپوراسیون خوانده است.

آیا صعود مودی به قدرت، اندکی پس از صعود ناسیونالیست‌های افراطی در اوکراین که فروپاشی سریع این کشور و بحران بزرگ جهانی و آغاز «جنگ سرد جدید» را در پی داشت، تصادفی است؟ آیا صعود نئوفاشیسم در هند، همزمان با اقتدار نئونازی‌ها در اوکراین، با انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا ارتباط ندارد و از تحولاتی عظیم و خطرناک در جهان امروز خبر نمی‌دهد؟